

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سلمان رفیع شیخ
برگردان: م. قربانی
۰۶ مارچ ۲۰۲۴

بازی «جدید» واشینگتن در افغانستان



به نظر می‌رسد که واشینگتن می‌خواهد پس از دو سال وقفه، به افغانستان «باز گردد» تا در درجه اول بر تأثیرات نفوذ چین در افغانستان خرابکاری کند. در هفته دوم فبروری، چین سفیر افغانستان در چین را پذیرفت که تمایل بیجینگ برای به رسمیت شناختن رژیم طالبان* در افغانستان را اعلام نماید. در اواخر سال ۲۰۲۳ نیز، چین نخستین کشوری بود که سفیر خود را در افغانستان تعیین کرد. این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که طالبان موفق می‌شود از گروه‌های تروریستی ضد چین، مانند داعش خراسان و جنبش اسلامی ترکستان شرقی، اطمینان یابد که به منافع چین در افغانستان یا خارج از آن حمله نکنند. از سوی دیگر، چین روابط خود با طالبان را به گونه‌ای طراحی کرده است که به نظام سیاسی افغانستان احترام بگذارد. بیجینگ خلاف واشینگتن و بسیاری از کشورهای غربی، نسبت به سیستم افراطی طالبان، یعنی محرومیت از حق تحصیلی زنان و محرومیت تحرک زنان، اظهارنظر یا انتقاد نمی‌کند. بیجینگ این موضوع را امر داخلی طالبان می‌داند. در مقابل، طالبان هرگز هیچ‌گونه نگرانی نسبت به روابط چین با اقلیت‌های مسلمان خود ابراز نکرده است. این باعث شده است روابط اقتصادی نیز شکوفا شود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۳ چندین شرکت چینی قراردادهای تجاری متعددی را با دولت طالبان امضاء کردند که برجسته‌ترین آن‌ها یک قرارداد ۲۵ ساله استخراج نفت چند میلیون دلاری با ارزش سرمایه‌گذاری تخمینی ۱۵۰ میلیون دالر در سال اول و تا ۵۴۰ میلیون دالر طی سه سال آینده بود.

اما روابطی که به علت این آرایش دوجانبه به وجود آمده است، ناامیدی واشینگتن را که در سند سیاسی اخیر به نام «ستراتژی یکه‌پارچه کشور: افغانستان» منتشر شده است، نشان می‌دهد. این سند، رژیم طالبان را - که در نتیجه معامله با واشینگتن به قدرت رسیده است - مسؤول مصایب مردم می‌داند. و در ادامه «قدرت‌های غارتگر» مانند چین (و روسیه) را هدف قرار می‌دهد که می‌خواهند «ایالات متحده را در وضع نامساعد» قرار دهند. لذا، واشینگتن با برجسته کردن «خشونت» رژیم به دنبال ایجاد مزاحمت برای نفوذ چین است. تأکید چین بر به رسمیت شناختن فرهنگ سیاسی رژیم طالبان، خلاف روایت واشینگتن، «امنیت پایدار در افغانستان» را نه در کشتن دشمنانش، بلکه در مشارکت معنادار همه شهروندان افغان در زندگی افغانستان، می‌بیند.

بنا بر این، واشینگتن منافی در خنثی کردن نتیجه معامله خود با طالبان دارد، یعنی پیمان دوحه ۲۰۲۰، که راه را برای بازگشت سیاسی طالبان به کابل هموار کرد. از این‌رو، قصد دارد گروه‌هایی را که ممکن است به ساختن روایت‌های مقابل رژیم در افغانستان ادامه دهند، تقویت کند. به این ترتیب، هدف واشینگتن «همزمان ارسال کمک‌های بشردوستانه بی‌سابقه به این کشور است تا طالبان را متقاعد کند که از معیارهای اقتصادی بین‌المللی پیروی و از آموزش و پرورش دفاع کند.» این علاوه بر تمایل واشینگتن برای «همکاری با جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر در زمینه اقدامات اعتمادساز برای حمایت از مشارکت معنادار طیف وسیعی از شهروندان افغان در بحث درباره آینده افغانستان» است.

به این منظور، واشینگتن حتی ممکن است به کمک همسایگان افغانستان، از جمله متحد قدیمی طالبان، یعنی پاکستان، متکی باشد. از هنگام به قدرت رسیدن طالبان در اگست ۲۰۲۱ روابط با اسلام آباد رو به وخامت رفته است. با افزایش حملات انتحاری در پاکستان در سال ۲۰۲۳، پاکستان مستقیماً رژیم طالبان را به خاطر عدم توانایی در از بین بردن گروه «تحریک طالبان پاکستان» و اجازه استفاده از خاک افغانستان برای تروریسم فرامرزی، سرزنش می‌کند. پاکستان آنرا نقض مفاد توافق طالبان افغانستان در دوحه می‌داند. از سوی دیگر طالبان این را رد می‌کند که این گروه آن‌ها را مجبور به اقدام علیه «تحریک طالبان پاکستان» کرده است. این امر باعث شد که پاکستان برای ایجاد موضع مشترک علیه طالبان به امریکا نزدیک شود. مقامات کشوری و نظامی پاکستان اخیراً با مقامات امریکائی از جمله آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، برای مذاکره در مورد امنیت و تروریسم ملاقات کردند.

بر این اساس، سند ایالات متحده تأکید می‌کند که یکی از اهداف کلیدی سیاستی که واشینگتن دنبال خواهد کرد، «دستیابی به افغانستانی است که با خود و همسایگانش همسو باشد و تهدیدی برای امریکا و شرکای آن نداشته باشد.» در ادامه این سند چنین توضیح داده شده است: «بنا بر این، در راستای منافع حیاتی ایالات متحده است که رهبران افغانستان، از جمله طالبان را برای اجرای تعهدات ضد تروریسم، تحت فشار قرار دهد. منافع امریکا با تعهد عملی و پایدار "مقامات مربوطه" افغانستان به ایجاد پایه‌ای قوی برای حاکمیت قانون و حکومت‌مداری خوب، از جمله شفافیت پیش می‌رود تا از رادیکالیسم افراطی و تهدید علیه افغان‌ها جلوگیری شود.»

به طور خلاصه، واشینگتن می‌خواهد به نام ایجاد امنیت، دوباره وارد افغانستان شود اما هدف واقعی‌اش اینست که از تسلط انحصاری چین به اصطلاح «غارتگر» بر افغانستان جلوگیری نماید. با این حال، این‌که آیا امریکا می‌تواند به این هدف دست یابد یا خیر، کاملاً مشخص نیست. گزارشی که بتازگی در صدای امریکا منتشر شد، این امر تقریباً غیرممکن را منعکس می‌کند. بر این اساس، تنها چیزی که طالبان را با چین (و روسیه) پیوند می‌دهد، منافع مشترک آن‌ها در مهار - و به نبرد فرا خواندن - امریکا در منطقه است. اگر همه این بازیگران در ضدیت با امریکا متحد شوند - که ممکن نیست اشتباه باشد - معنایش این است که واشینگتن هیچ اهرم خاصی برای این موضوع در دست ندارد تا از آن برای بازگرداندن خود به افغانستان به معنای پایدار استفاده کند.

بیشترین کاری که ممکن است انجام دهد، اعمال فشار بین‌المللی بر طالبان برای اقدام علیه تروریسم است و اسلام آباد در حال حاضر ممکن است در اعمال فشار به واشینگتن بیبندد. اما فراموش نکنیم که خود اسلام آباد نیز با ژئوپلیتیک منطقه‌ای چین پیوند نزدیک دارد – برنامه‌ای که به معنای سیاسی‌تر، پاکستان و افغانستان را به هم پیوند می‌زند. چین با توجه به روابط بسیار نزدیکش با پاکستان، همیشه می‌تواند یک گزینه جایگزین برای اعمال فشار بر طالبان پاکستان (تحریک طالبان) برای به رسمیت شناختن رژیم طالبان داشته باشد. به این معنا که واشینگتن، حتی اگر بخواهد، هیچ شریکی در منطقه نخواهد داشت که به طور انحصاری در کنار آن رو در روی طالبان و علیه چین بایستد.

*طالبان در روسیه ممنوع است.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۲۵ فبروری ۲۰۲۴